

## نسل آخرالزمانی

جوان‌های عصر ما اکثراً بچه‌ننه‌اند چرا که مردان عصر ما اکثراً نامرد و فاقد ولایت و مسئولیت مردانه در قبال همسر و فرزند هستند و زنان نیز همه مردستیز و فمنیست شده‌اند. و لذا فرزندان تماماً تحت سلطه غریزی مادر قرار می‌گیرند و جمله موجوداتی بی‌اراده و فاقد عقل و وجدان و وظیفه شناسی می‌باشند. پسرانی که با خلق و خوی زنانه و تمایلات ضد مردانه تا سرحد همجنس‌گرایی هستند و دخترانی که از زنایت خود منزع‌جند و میل به مردواری دارند به‌همراه گرایش‌ات همجنس‌گرایانه و شدیداً ضد ازدواج می‌باشند و فراری از خانواده و هر تعهدی!

این دیوانه‌خانه‌ای که خانواده نام دارد مخلوق ایدۀ ابلیسی برابری زن و مرد است که در آن نه مردی مردانگی دارد و نه زنی، زنانگی و عواطف مادری! مردان همه عورت پرست و زنان هم فرزندخوار! این فرزندان بلعیده شده بواسطه مادران شوهرستیز همین نسل بچه‌ننه هستند نسلی بی‌هویت و مالیخولیائی که فقط یک خاصیت و مصرف جهانی دارند و آن فضای مجازی است که در آن مسخ و فنا شده و تبدیل به ذریه شیطان می‌شوند. موجوداتی تماماً مجازی - مالیخولیائی و متوهم و هیچ و پوچ در جستجوی انتقام از خود و خانواده خود و خصم هر چه ارزش و معنویت و اخلاق! این نسل آخرالزمانی است و سربرآورده از خانواده‌هایی که عمر تاریخی‌شان به‌سر آمده است و محصول انهدام زناشوئی می‌باشند نسلی براستی بی‌پدر و مادر!

این آخرالزمان خانواده و نسل بی‌پدر و مادر نتیجه تاریخی هزاران سال نژادپرستی است پس این انهدامی عادلانه و برحق است. این انهدام نژاد و نژادپرستی یا عرصه ظهور ذریه شیطان در بشر است و یا قلمرو پیدایش انسان نژادپرست و الهی! زیرا چون نژاد نابود شود آدمی یا به شیطان پناه می‌برد یا به خدا! هیچ راه میانه‌ای باقی نمی‌ماند. اینست که طبق روایات دینی در آخرالزمان اشد کفر و شقاوت و شرارت و اشد ایمان و اخلاص و معرفت به عرصه ظهور می‌رسد و کل جامعه بشری به دو قطب مطلق بین کفر و ایمان تقسیم می‌شود که اکثریتی کافران و لشکریان شیطانند و اقلیتی آن‌هم در تقیه روی به ایمان و اخلاص می‌کنند.

همین نسل آخرالزمانی سربرآورده از ذریه شیطان است که در سراسر جهان گوشت دم توپ جنگ‌های داخلی و مرزی و منطقه‌ای و جهانی شده و هیزم جهنم این دوران است. نسلی نابود شده که جز نابودی جهان آرمانی ندارد. این نابودگری محصول برابرسازی‌های عرصه مدرنیته است که برابری زن و مرد در محورش قرار گرفته است که این برابری مطلقاً به عرصه ارزش‌های انسانی وارد نشده است بلکه فقط شامل برابری جنسیتی است یعنی برابری نرینگی و مادینگی! که جز حلال‌سازی زنا و خیانت دستاوردی نداشته است. که این حلال‌سازی به‌مثابه نابودسازی اساس اخلاق و فطرت است و لذا در این جماعت برابر هیچ ارزش اخلاقی و معنوی اعتباری ندارد. این برابری، اساس نابودی خانواده به‌عنوان هسته مرکزی مدنیت است و لذا به نابودی مدنیت می‌انجامد.

برابری زن و مرد بزرگترین و عاشقانه‌ترین دروغی است که بشر مدرن به خود تلقین کرده است که تلقینی ابلیسی است چرا که در این شعار نخستین امری که تباه و انکار می‌شود ولایت روحانی زن و شوهر نسبت به یکدیگر است که این انکار هر تعهد و مسئولیتی را از این میان برمی‌دارد و هر خیانتی را توجیه و بلکه تقدیس می‌کند. علاوه بر اینکه برابری دو چیز عین نابودی آن دو چیز است زیرا گوهره حیات و هستی هر چیزی در جهان همانا یگانگی و بی‌تائی است همان طور که رسول اکرم فرمود: «براستی که خداوند جهان هستی را بر سوره توحید آفریده است!»

برابری زن و مرد واقعه ماشینی کردن انسان است که زن و مرد را تبدیل به پیچ و مهره‌هایی در سیطره صنعت و تکنولوژی می‌کند.

برابری زن و مرد واقعه عقیم‌سازی انسان است. و لذا این برابری هسته مرکزی مدرنیته و آخرالزمان است. و عجا که این برابری حتی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران نیز با توجیهات فقهاتی رخنه کرد. چرا که دولتمردان جمهوری اسلامی نیز جملگی تکنوسالار بودند. و اما حق این برابری و انهدام، هزاران سال ستم متقابل زن و شوهر به خود و فرزندان‌شان است. هر ابطالی دارای حقی است و این حق آخرالزمان است. این اصل و اساس نقد و بررسی و فهم پدیده‌های آخرالزمان است و هر نقد دیگری عین توجیه و تقدیس شیطان است. آیا براستی می‌شود به شیطان انتقاد کرد تا خود را اصلاح کند؟ بقول صادق هدایت انتقاد به اوضاعی که تا ذاتش گندیده است عین تأیید این اوضاع است.

امروزه دیگر کودکان و نوجوانان در خانواده و محیط مدارس تربیت نمی‌شوند بلکه در فضای مجازی رشد و نمو می‌یابند و حتی خود والدین نیز فنای در این جهان مجازی هستند که سیطره انواع فریب‌ها و مفاصد و شیطنت‌های نو به نو است. این نسل آخرالزمانی مصداق آن گروهی است که در جهنم بذرافشانی می‌شوند و از ذریه اجنه و شیاطین آفریده می‌شوند در عالم ذرات! (قرآن کریم)- نسلی که نه عقل و عاطفه می‌شناسد و نه اخلاق و اراده‌ای! و بدین طریق تا کمتر از نیم قرن دیگر هیچ اثر و نشانی از آدمیت و ارزش‌های انسانی باقی نمی‌ماند و زمین به تصرف ذریه شیطان درمی‌آید که کالبد بشری را تسخیر کرده است. پس فاتحه این تمدن پیشاپیش خوانده شده است. مگر اینکه خداوند بنیاد این تمدن جهنمی را برکند و همه سردمداران آن و حامیان‌ش را به قبرستان تاریخ بفرستد و بشریت را از انقراض حتمی نسل برهاند. و این جز به‌دست ناجی موعود ممکن نمی‌شود زیرا در ذات این تمدن حاکم بر جهان هیچ راه نجاتی نیست و این تمدن فی‌ذاته محکوم به نابودی می‌باشد. تمدنی که کل افتخارش به آتشی نابودگر است که در زمین برپا ساخته و آب و خاک و هوا را فاسد و زهرآگین نموده و حیات را به مهلکه انداخته و بشر را برده خود ساخته است و در این اسارت بواسطه انواع عذاب‌ها به قتل می‌رساند.

هیچ انسان عاقل و باشرفی نمی‌تواند این تمدن را دوست بدارد و از آن دفاع کند الا اینکه در آن مسخ شده باشد.

من به‌عنوانی یکی از آخرین انسان‌های باقی مانده بر روی زمین بر علیه تمامیت این تمدن دوزخی اعلان جرم می‌کنم و از آن تبری می‌جویم و نابودیش را از محضر خداوند یکتا درخواست می‌نمایم تا از درب رحمت و مغفرتش بساط این دوزخ را برچیند و روح انسان را از آن بیرون کشد و رستگار فرماید. آمین یا رب العالمین!

علی اکبر خانبجانی

۱۴۰۱/۰۱/۳۱